

جهان معماری جهان: تحلیل کیفی محتوای تست‌های «معماری جهان» در آزمون‌های ورودی کارشناسی‌ارشد معماری در ایران از سال ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰*

سیدمجید میرنظامی ضیابری

دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

غلامحسین معماریان

استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: memarian@iust.ac.ir

اصغر محمدمرادی

استاد گروه مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

چکیده

هر مورخی جهان‌ش را بسته به سیاقی که در آن می‌زید، برمی‌سازد. جهان درس «معماری جهان» نیز بر ساخته است، نه مفهومی غیرتاریخی و جهان‌شمول. تاکنون پژوهشی به این مسئله نپرداخته است که این جهان بر ساخته چه مختصاتی دارد و چه ربطی به گذشته و حال دانشجویانی دارد که تاریخ آن را فرا می‌گیرند. این مقاله می‌کوشد نحوه ظهور و بروز جهان در تست‌های معماری جهان در آزمون‌های کارشناسی‌ارشد معماری در ایران را واکاوی کند. قصد این پژوهش شناخت مقوله‌هایی است که بازاندیشی درباره آن برای تغییر درس معماری جهان ضرورت دارد. از آنجا که تست‌های درس معماری جهان در آزمون‌های کارشناسی‌ارشد معماری نقشی تعیین‌کننده در یکسان‌سازی و استانداردسازی آموخته‌های این درس در سراسر ایران دارد، از طریق تحلیل کیفی محتوای این تست‌ها از سال ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰ شیوه بر ساخت جهان را در آن بررسی‌سیده‌ایم. جهان آزمون‌های کارشناسی‌ارشد معماری، جهان «مردی اروپایی» است که مرکز جغرافیایی-فرهنگی اش کشور ایتالیا و به‌ویژه شهر رم است و از نظر تاریخی، دوره‌های رنسانس و باروک در آن بیشترین اهمیت را دارد. در این جهان، آثار مربوط به مسیحیت جایگاهی کانونی دارد. تحلیل تست‌ها نشان‌دهنده غلبه جهان-سازی «اروپامدار» بر ارزیابی معماری جهان در ایران است. در این شیوه جهان-سازی، تاریخ انسان غیراروپایی، دوره‌ها و انواع بناهای کم‌اهمیت تلقی می‌شود و ارتباطی با معماری اروپایی برقرار نمی‌کند.

کلیدواژه‌ها: اروپامداری، استعمارزدایی از برنامه درسی، جنوب جهانی، تاریخ جهانی معماری، جهان-سازی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری سیدمجید میرنظامی ضیابری با عنوان «چارچوبی مفهومی برای بازآرایی برنامه درسی معماری جهان: چشم‌اندازی از جنوب جهانی» است که با راهنمایی دکتر غلامحسین معماریان و دکتر اصغر محمدمرادی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران در حال انجام است.

مقدمه

برخلاف آنچه به نظر می‌رسد تعریف جهان در زیررشته «تاریخ جهان»، امری بدیهی نیست که همه مورخان بر سر آن توافق داشته باشند، بلکه دانشوران جهانشان را بسته به سیاقی که در آن می‌زیند، برمی‌سازند. به اعتقاد نلسون گودمن، واضع اصطلاح «جهان-سازی»^۱، فرایندهای نمادینی در ساخت جهان منحصر به فرد هر نویسنده‌ای نقش دارد. در نتیجه، ما با جهانی یکتا در متون این نویسندگان مواجه نیستیم، بلکه انواعی از جهان‌ها داریم که ممکن است به لحاظ صورت‌بندی با هم در تعارض باشند (Conrad, 2016, 187). برای مثال، ممکن است جهانی که مورخی اروپایی در سده نوزدهم برای مخاطبش برمی‌سازد، با جهان تذکره‌نویس عصر صفوی به کلی متفاوت باشد. به اعتقاد عارف دیرلیک (2000)، مورخان حوزه تاریخ جهان هم لاجرم در کار جهان-سازی هستند. براساس چنین دیدگاهی، زمانی که مورخان معماری از جهان سخن می‌گویند، نسخه خاصی از آن را مد نظر دارند که به موقعیت تاریخی و جغرافیایی آنان وابسته است.

می‌توان جهانی را که انسان اروپایی از سده هجدهم تا حال در تاریخش صورت‌بندی کرده است، جهانی «اروپامدار»^۲ نامید. به گفته سامر آگش (2021)، اروپامداری حاصل پروژه روشنگری اروپایی است که به بر ساخته شدن «استثنا-انگاری اروپاییان»^۳ براساس معیارهای نژادی، فرهنگی و فکری منجر شد. این دیدگاه، نسبت به مردمان به اصطلاح «نامتمدن» و «غیراروپایی» نگرشی تحقیرآمیز داشت (Samer, 2021, 205). به اعتقاد هابسن (2012)، تا پیش از سده هجدهم، اروپاییان غرب و شرق را به هم مرتبط می‌دانستند، اما اروپامداری، سبب پدید آمدن غیریت^۴ شد. یعنی، «غرب» بر ساخته از «شرق» بر ساخته از بنیاد «جدا» شد. البته او، اصطلاح «پاک‌سازی»^۵ را معادل بهتری برای این فرایند تاریخی می‌داند. زیرا در این فرایند تلاش شد که عناصر «دیگری» شرقی از خود غربی پاک‌سازی شود (Hobson, 2012, 14-15).

اروپامداری وجوه گوناگونی دارد که شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد^۶. اما می‌توان برای نمونه به یکی از مظاهر بارز آن در تاریخ‌نگاری اشاره کرد. در کلان‌روایت اروپامدار تاریخ جهان، که متأثر از فلسفه تاریخ هگل است، آسیا در مرحله طفولیت تاریخ قرار می‌گیرد و اروپا در مقام بلوغ و کمال آن می‌نشیند (Dussel, 1995, 19-20). همین روایت خطی را می‌توان در سیرهای عمومی تاریخ معماری جهان نیز مشاهده کرد. این روایت از منطقه به اصطلاح «خاورمیانه»^۷ آغاز می‌شود و پس از گذر از مدیترانه به اروپا می‌رسد و در آنجا توالی سبکی رو به پیشرفتی را تا رسیدن به معماری مدرن بازگو می‌کند. در این روایت خطی، از دوره‌ای به بعد، حضور همزمان موجودیت‌های تاریخی-جغرافیایی غیراروپایی یا نادیده گرفته می‌شود یا به منزله دیگری‌های هنر و معماری غربی در فصولی جداگانه به انتهای کتب تاریخ هنر و معماری پیوست می‌شود^۸. به بیان دیگر، غیرغربی‌ها در این متون ناتاریخی بازنمایی می‌شوند یا اگر اروپامداران تاریخی برای آن متصور باشند، به ارتباط این تاریخ با هنر و معماری غربی اشاره‌ای نمی‌کنند.

در نظام آموزشی معماری در ایران درسی به معرفی معماری جهان اختصاص دارد که هدف کلی آن براساس طرح درس مصوب سال ۱۳۹۵ دانشگاه فردوسی مشهد، چنین ذکر شده است: «آشنایی دانشجویان با سیر تحول آنچه در معماری جهان قبل از دوران معاصر رخ داده است» (شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۵). حال، با عنایت به مطالب فوق، این پرسش پیش می‌آید: جهانی که برنامه درسی مصوب وزارت علوم به آشنایی با آن توصیه می‌کند، چه مختصاتی دارد؟ آیا جهان آن نیز، همچون کلان‌روایت‌های اروپایی تاریخ معماری، اروپامدار است یا نظمی دیگر دارد؟ برای پاسخ به این مسئله راه‌های گوناگونی وجود دارد. برای مثال، می‌توان به کلاس‌های درس معماری جهان مراجعه یا متون درسی و برنامه‌های درسی آن را تحلیل کرد. در پژوهش حاضر که بخشی از تحقیقی جامع‌تر است، برای نقشه‌برداری از صورت‌بندی «معماری جهان» در نظام آموزش معماری در

ایران به سراغ آزمون‌های کارشناسی ارشد معماری در بیست سال گذشته رفته‌ایم. دلیل ما برای تحلیل آزمون‌ها این است که همه دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی، فارغ از اینکه در کجا و چگونه درس معماری جهان را آموخته‌اند، برای ورود به مقاطع بالاتر باید در کنکوری سراسری شرکت کنند. در نتیجه، نظم حاکم بر محتوای کنکور نقشی کانونی در یکدست‌سازی و استانداردسازی آموخته‌ها در سراسر ایران ایفا می‌کند.

پیشینه تحقیق

نخستین تلاش‌ها برای نگارش تاریخ مستقل معماری در مقیاس جهانی به میانه سده نوزدهم میلادی و دو کشور آلمان و انگلستان برمی‌گردد. بنا بر نظر بروئر (2018)، کتاب‌های جیمز فرگوسن^۹، ویلهلم لوبکه^{۱۰} و فرانسیس کوگلر^{۱۱} را می‌توان نخستین تلاش‌ها برای روایت تاریخ معماری جهان دانست (Brouwer, 2018, 105). کلان‌روایتی که این مورخان در کتبشان بنیان گذاشتند، نقشی تعیین‌کننده در تحول تاریخ‌نگاری معماری جهان در سده بیستم داشت. بروئر (2015) معتقد است که گرچه نخستین کتب سیری در تاریخ معماری در طول سال‌ها ویراسته می‌شدند و روزبه‌روز به حجم مطالب آن افزوده می‌شد، کلان‌روایتشان تغییری نمی‌کرد و همان ساختار دوره‌بندی و سبک‌شناسی و معرفی آثار کانونی بدون تغییر باقی می‌ماند (Brouwer, 2015, 993).

در دهه‌های پایانی سده بیستم، نقد کلان‌روایت تاریخ معماری جهان آغاز شد. به گفته ناصر رباط، پیش از نوشته‌های ادوارد سعید، تاریخ معماری در برخورد با کانون غربی انتقادی نبود و غرب همواره در مرکز قرار داشت و معماری سایر مناطق حاشیه‌ای تلقی می‌شد (Rabbat, 2018, 389). یکی از تأثیرهای نظریه پس‌استعماری بر معماری در قالب به‌پرسش‌گرفتن «کانون اروپامدار» تجلی یافت. «این واژه به تسلط معماران (مرد سفیدپوست) اروپایی و آمریکای شمالی در نهادهای شکل‌دهنده به کانون ارجاع می‌دهد» (Akcan, 2014, 116). در تاریخ هنر نیز، در سه دهه اخیر، منتقدان مختلف به طرد اقلیت‌ها، زنان و غیرغربی‌ها در متون کانونی این حوزه اشاره کرده‌اند. همچنین، تأکید آن کتب بر ساختار گاه‌نگارانه و ترجیح انسجام ساختار روایی بر تکتک روایت‌ها را به باد انتقاد گرفته‌اند (Levitt & Rutherford, 2019).

رفته‌رفته، مدارس پیشروی معماری در غرب، اقدام به بازاندیشی درباره درس سیری در تاریخ معماری کردند تا پیش‌فرض‌های اروپامدار و تأکید آن بر فرم و سبک و تمرکز بیش از حد آن بر معماران خبره را به پرسش بگیرند (Baydar, 2003, 85). برای نمونه، می‌توان به انتقادهای متن کانونی فلچر در جهان انگلیسی‌زبان اشاره کرد. به گفته جان مک‌کین (2006)، کتاب فلچر اولین کتاب سیری در تاریخ معماری است که مناطق بیرون از اروپا را با عنوان سبک‌های ناتاریخی در خود گنجانده است (Mckean, 2006). در تصویر «درخت معماری» که از ویراست پنجم به کتاب فلچر اضافه شد، شاخه‌های معماری اروپایی تا رسیدن به دوران معاصر می‌بالند، اما رشد معماری غیرغربی از زمان رومانسک به بعد متوقف می‌شود (Fraser, 2019, 2-3). تاکنون، صاحب‌نظران متعددی به اروپامدارانه‌بودن بازنمایی تحول تاریخ معماری در ترسیم «درخت معماری» فلچر اشاره کرده‌اند (Akcan, 2014; Baydar, 1998; Choi, 2007; James-Chakraborty, 2014a; Rabbat, 2018; Ru-jivacharakul, 2020). از میان دانشوران نام‌برده، گلسوم بایدار (1998)، با الهام از دریدا و آرای متفکران پس‌استعماری، به نقد ساختار شرق‌شناسانه کتاب فلچر در ویراست‌های متعدد آن نیز پرداخته است. می‌توان پژوهش گورل و آنتونی (2006) را نیز در ادامه تلاش بایدار قرار داد. این نویسندگان با تحلیل محتوای متون درسی اصلی آموزش تاریخ معماری در چهارده دانشکده معماری تأثیرگذار در ایالات متحده نشان داده‌اند که اقلیت‌های نژادی و زنان در این آثار به حاشیه رانده شده‌اند.

زینب آیگن (2015)، در تحقیقی سی کتاب درسی تاریخ معماری جهان و سی برنامه درسی تاریخ معماری را

که عمدتاً متعلق به دانشکده‌های انگلستان و ایالات متحده بودند از حیث شمول جهانی محتوای آن بررسی کرده است. نتیجه کلی مقاله او این بوده است که کتب درسی معماری جهان، به‌جای روایت یکپارچه تحول جهانی معماری، بیشتر براساس دوگانه «غربی» و «غیرغربی» سامان یافته‌اند. نودوپنج درصد از این کتب، سیر معماری غربی را از دوره رنسانس به بعد، رو به پیشرفت بازنمایی کرده‌اند و در سوی مقابل، معماری غیرغربی را رو به افول نشان داده‌اند. بنا بر تحلیل آیگن، در اغلب برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها، «دیگری»^{۱۲} حضور دارد. با این حال، غرب از دیگری جدا شده است و تعداد بسیار کمی از دانشگاه‌ها رویکردی «جهانی» به آموزش معماری جهان داشته‌اند.

علاوه بر نقد متون کانونی موجود و برنامه‌های آموزشی تاریخ معماری، از دهه ۱۹۸۰ میلادی، علاقه به نگارش سیرهای جدید تاریخ معماری در کشورهای شمال جهانی^{۱۳} نیز رونق گرفته است (De la Vega de León, 2019a, 43). به اعتقاد رباط (2018)، یکی از نخستین کتاب‌هایی که نقدهای ادوارد سعید در آن طنین افکن شد، کتاب تاریخ معماری؛ صحنه‌ها و آیین‌ها اثر اسپيرو کوستوف^{۱۴} (1985) بود. به باور او، ساختار کتاب مهم‌تر از شکل روایت آن است؛ زیرا اولین بار در این کتاب است که یک سیر انگلیسی‌زبان تاریخ معماری دست به مقایسه معماری غربی با غیرغربی در یک دوره زمانی می‌زند. البته باید به این نکته توجه کرد که در کتاب کوستوف نیز معیار داوری همچنان معماری غرب است (Rabbat, 2018, 389). می‌توان نگارش کتاب تاریخ جهانی معماری نوشته چینگ، یارزومبک و پراکاش (2007)، کتاب معماری از ۱۴۰۰ اثر کتلین جیمز-چاکرابورتی^{۱۵} (2014b)، کتاب معماری جهان؛ تاریخی بین‌فرهنگی (201) نوشته ریچارد اینگرسول^{۱۶} و ویراست بیست‌ویکم کتاب فلچر با عنوان جدید تاریخ جهانی معماری فلچر به سرویراستاری ماری فریزر^{۱۷} (2020) را در ادامه تلاش‌هایی دانست که با کوستوف آغاز شده است. اینکه این آثار تا چه اندازه در تغییر کانون اروپامدار موفق بوده‌اند، مسئله‌ای است که خود به پژوهش‌های مستقلی نیاز دارد.

آموزش تاریخ معماری در ایران نیز متأثر از اروپا بوده است. برای نمونه، قیومی بیدهندی و سپهری (۱۳۹۵)، به این موضوع اشاره کرده‌اند که در سال اول تدریس در آتلیه‌های دانشگاه ملی، دانشجویان موظف به ترسیم آردهای کلاسیک بودند و این تمرین را می‌توان از اولین نمونه‌های تأثیر تاریخ معماری اروپایی بر آموزش معماری در ایران قلمداد کرد. با توجه به طرح درس مصوب «معماری جهان»، می‌توان گفت که این ساختار اروپامدار در روایت درس «معماری جهان» نیز وجود دارد. اما به‌رغم آگاهی کلی از تأثیر جهان-سازی اروپامدار بر آموزش معماری جهان در ایران، تاکنون پژوهشی تجربی درباره کم‌وکیف این تأثیرپذیری و نحوه بروز آن صورت نگرفته است. پژوهش حاضر به‌هدف پرکردن بخشی از همین خلأ در دانش موجود انجام شده است.

روش تحقیق

گام‌های پژوهش حاضر از رویه رایج در تحلیل‌های کیفی محتوا^{۱۸} پیروی می‌کند. بنابر نظر شرابیر (2020)، تحلیل کیفی محتوا، پنج گام اصلی دارد: گام اول، تعیین پرسش پژوهش و داده‌هایی است که قرار است برای پاسخ به آن، تحلیل شوند. گام دوم، ایجاد چارچوب مقدماتی کدگذاری است. گام سوم، به‌کارگیری آزمایشی چارچوب کدگذاری و جرح‌وتعدیل آن است. گام چهارم، ورود به فرایند اصلی کدگذاری و گام پنجم، ارائه یافته‌هاست. گام اول تا سوم ماهیتی رفت‌وبرگشتی دارد و تا رسیدن به چارچوب نهایی کدگذاری تکرار می‌شود. در تحقیق حاضر، در گام نخست، مسئله پژوهش را چنین تعریف کردیم: نظم حاکم بر ارزیابی درس «معماری جهان» در ایران، چگونه جهانی را برمی‌سازد؟ برای پاسخ به این مسئله، کنکورهای کارشناسی ارشد ناپیوسته گروه معماری را که برگزارکننده‌اش سازمان سنجش است، برای کدگذاری انتخاب کردیم. در این تحقیق، هر سؤال یک واحد کدگذاری^{۱۹} تلقی شد.

تا سال ۸۲ دفترچه سؤالات به پنج ماده امتحانی تقسیم می‌شد. گرایش معماری و معماری منظر هرکدام دو ماده امتحانی داشتند. تست‌های مربوط به تاریخ معماری منظر در بخش «مبانی تئوریک و اطلاعات عمومی در زمینه معماری منظر و سؤالات تاریخ معماری منظر» طرح می‌شد. در گزینش تست‌های سال‌های ۸۱ و ۸۲ به بخش «مبانی تئوریک و اطلاعات عمومی در زمینه معماری و تاریخ معماری» بسنده کرده‌ایم. از سال ۸۳ تاکنون، بخش «تاریخ و مبانی نظری» در هر دو گرایش به‌صورت مشترک ارزیابی می‌شود. با توجه به اینکه در تست‌های بخش «تاریخ و مبانی نظری معماری» آموخته‌های چهار درس معماری جهان، معماری اسلامی، معماری معاصر و مبانی نظری معماری ارزیابی می‌شود، فقط تست‌هایی را برگزیدیم که به ارزیابی معماری جهان اختصاص داشته است. سپس، حدود ده درصد از تست‌ها را به‌شیوه استقرایی کدگذاری کردیم تا به چارچوبی برای کدگذاری برسیم. در شیوه استقرایی، مقوله‌های تحلیل محتوا، به‌صورت پسینی، از خود داده‌ها^{۲۰} استخراج می‌شوند؛ نه از نظریه یا چارچوب مفهومی پیشینی. سپس، همه تست‌ها را با کمک نرم‌افزار اطلس.تی^{۲۱} کدگذاری کردیم. در فرایند کدگذاری تلاش کردیم تا جای ممکن، از کدهای درون‌متنی^{۲۲} استفاده کنیم و پیش‌داوری‌هایمان را بر آنچه متن نشان می‌دهد، تحمیل نکنیم. در مرحله بعد، کدهای مشابه را گروه‌بندی کردیم تا مقوله‌های اصلی برای تحلیل مشخص شوند. در نهایت، هریک از مقوله‌ها را براساس نظم حاکم بر خود تست‌ها از وجوه گوناگون تحلیل کردیم.

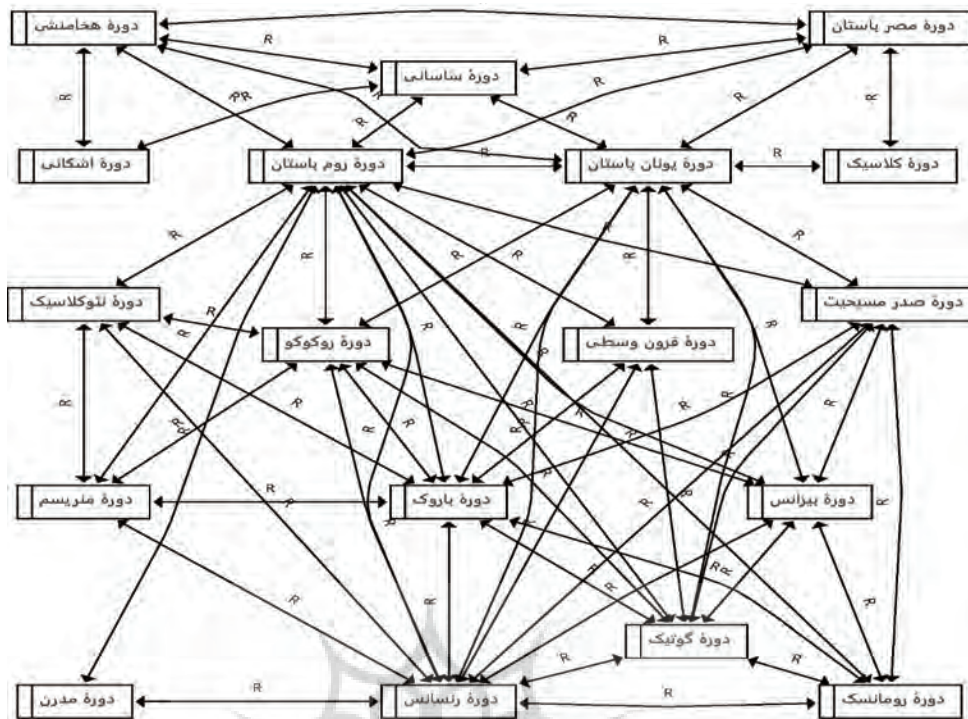
بحث: تحلیل مقوله‌ها

طراحان در بیست سال گذشته از مقوله‌های متفاوتی برای نظم‌بخشی به جهان مد نظرشان استفاده کرده‌اند. در مقاله حاضر با اتکا به عین واژگانی که در متن تست‌ها به کار رفته است، تلاش کردیم تا مقوله‌های اصلی معماری جهان را شناسایی کنیم. تحلیل‌ها نشان داد که «دوره‌ها»، «معماری‌ها»، «سبک‌ها»، «تمدن‌ها»، «هنرها»، «اشخاص» و «بناها» از اصلی‌ترین مقوله‌ها در برساخت جهان در نظر طراحان است. با تحلیل اجزای همین مقوله‌ها و روابط میان آن‌ها مشخص می‌شود که «جهان» تصویرشده در تست‌ها از دیدگاه طراحان سؤال‌ها در بیست سال گذشته چگونه جهانی بوده است.

دوره

کلمه «دوره» یا «دوران» در ۴۳ تست متمایز به کار رفته است. این کلمه دومین کُد پربسامد در تحقیق حاضر به شمار می‌رود. برای اشاره به دوره‌ها، ۴۳ موجودیت متمایز را می‌توان شناسایی کرد. تحلیل این کلمه‌ها و میزان تکرار آن، نوع نگاه طراحان به مفهوم «دوره» و درجه اهمیت دوره‌ها را نزد آنان مشخص می‌کند. نام «رنسانس»، در مقام دوره^{۲۳}، در ۱۹ تست متمایز تکرار شده است و از این حیث مهم‌ترین دوره تلقی می‌شود. دوره‌های رومانسک و باروک (۱۴ بار) و گوتیک (۱۳ بار) در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. از نظر میزان همابندی نام دوره‌ها در تست‌های سال‌های مختلف نیز، دوره «رنسانس» و «روم باستان» با ۱۸ همابند در مقام اول قرار دارند و بعد از آن «یونان باستان» در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد. دوره‌های گوتیک، باروک و بیزانس جایگاه‌های بعدی را به خود اختصاص داده است. می‌توان نتیجه گرفت که دوره‌بندی معماری غربی چه در دوران‌های متقدم و چه متأخر بیشترین اهمیت را نزد طراحان داشته است (شکل ۱).

نکته دیگری که در تحلیل پرسش‌ها مشخص شد این است که بعضی از دوره‌ها به دسته‌های کوچک‌تری تقسیم شده است. برای نمونه کلمه‌هایی چون «رنسانس متقدم»، «رنسانس مرفقی» و «رنسانس متأخر» در متن پرسش‌ها دیده می‌شود که خود گواه اهمیت آن دوره نزد طراحان است. تقسیم‌بندی جزئی‌تر دوره‌ها نیز صرفاً



شکل ۲. روابط دوره‌هایی که با روم باستان همانند شده‌اند

تا اینجا کاربرد اصطلاح «دوره» در سال‌های مختلف را به صورت مجموعه‌ای واحد تحلیل کردیم تا دریابیم که کلیت آزمون‌های معماری جهان در بازه‌ای بیست‌ساله از نظر دوره‌بندی چگونه بوده است. اما برای روشن کردن سیر تحول کاربرد دوره‌ها در سال‌های مختلف، تحلیلی در زمانی نیز انجام دادیم تا معلوم شود در طول بیست سال، صورت‌بندی دوره‌ها در آزمون‌های معماری جهان چه تغییراتی را از سر گذرانده است. بدین منظور نرم‌افزار اطلس‌تی امکان‌های مناسبی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. می‌توان از طریق امکانی به نام «جدول گُد-سند»^{۲۴} بسامد کدها را در سندهای مختلف با یکدیگر مقایسه کرد.

در بیست سال گذشته، به جز سال ۱۳۸۲، در همه سال‌ها از اصطلاح «دوره» استفاده شده است. به صورت میانگین، در هر سال، هفت بار کلمه دوره به کار رفته است. کنکور ۱۳۸۳ با هفده بار اشاره به دوره‌های مختلف، در صدر قرار دارد. کنکور ۹۰ (۱۶ بار) و کنکور ۸۸ (۱۴ بار) در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. در سوی مقابل، کمترین اشاره به دوره، متعلق به کنکور ۹۲ (۱ بار) و کنکور ۹۸ (۲ بار) است. در کل، بسامد کاربرد واژه «دوره» در طول بیست سال گذشته، روند منظمی نداشته است.

نام ۵۵ درصد از دوره‌ها فقط در یک سال ذکر شده است. برای نمونه، نام دوره‌های «امپراتوری روم غربی» و «دوره عثمانی» فقط در کنکور ۱۳۸۱ آمده است. ذکر نام دوران‌های «ودایی»، «اسلامی»، «بودایی» و «جورجین» فقط به کنکور سال ۱۳۸۳ محدود است. اطلاق دوره‌ای به نام «روم مسیحی» به کنکور ۱۳۸۵ اختصاص دارد. نام دوران‌های «اشکانی»، «سومری»، «بابلی»، «آکدی» و «آشوری» نیز فقط در کنکور ۱۳۸۷ به کار رفته است. کنکور ۹۰ نیز یک بار از دوران «رنسانس متمدنی» و «میان‌سنگی» نامی برده است. همچنین، در کنکور ۱۳۹۵ یک بار از «انقلاب کشاورزی»، «غارنشینی»، «کارولنژی» و «عصر مفرغ» به عنوان دوره یاد شده و در کنکور ۱۴۰۰ نام «دوران باستان» و «دوره پی‌گرد» برای نخستین بار استفاده شده است. نام ۲۰

درصد از دوره‌ها نیز فقط دو بار برده شده است: روکوکو (۸۳ و ۸۹)، منریسم (۸۵ و ۸۶)، نئوکلاسیک (۸۶ و ۸۹)، ساسانی و هخامنشی (۸۷ و ۹۰)، رنسانس متقدم (۸۷ و ۱۴۰۰)، مصر باستان (۹۰ و ۹۴)، نوسنگی (۹۰ و ۹۵) و اتونی (۹۵ و ۹۹). ولی اگر به دوره‌های کانونی و پریسامد در تست‌ها بنگریم، متوجه توزیع نسبتاً متوازن آن در طول بیست سال اخیر می‌شویم (جدول ۱). در نتیجه، نمی‌توان گفت که در سال‌های گذشته تغییر محسوسی در دوره‌های کانونی معماری جهان رخ داده است.

جدول ۱. توزیع نام دوره‌های کانونی در سال‌های مختلف

دوره رنسانس	دوره باروک	دوره رومانسک	دوره گوتیک	دوره بیزانس	دوره روم باستان
کنکور معماری ۸۱	۱			۱	
کنکور معماری ۸۲					
کنکور معماری ۸۳	۱	۲	۲	۱	۱
کنکور معماری ۸۴			۱		۱
کنکور معماری ۸۵	۲	۱		۱	
کنکور معماری ۸۶	۱				۱
ارشد معماری ۸۷	۱	۱	۱		
ارشد معماری ۸۸	۲	۳	۱	۱	۲
ارشد معماری ۸۹	۱				
ارشد معماری ۹۰	۳	۱	۲	۱	۱
کنکور معماری ۹۱	۳	۱	۱	۱	۲
کنکور معماری ۹۲	۱				
کنکور معماری ۹۳			۱	۱	
کنکور معماری ۹۴	۱			۱	۱
کنکور معماری ۹۵					
کنکور معماری ۹۶	۱	۱	۱		
کنکور معماری ۹۷	۲		۱		۱
کنکور معماری ۹۸			۱	۱	
کنکور معماری ۹۹	۱		۱	۱	
کنکور معماری ۱۴۰۰			۱		
مجموع	۱۹	۱۴	۱۴	۱۳	۱۰

معماری

در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲، بیشتر از واژه «هنر» برای اشاره به موجودیت‌های کلی استفاده می‌شد^{۲۵}. در سال ۱۳۸۱ فقط یک بار عنوان «معماری بودایی» و در سال ۱۳۸۲ یک بار عنوان «معماری هند» به کار رفت. از سال ۱۳۸۳ واژه «هنر» جای خود را به کلمه «معماری» داد.

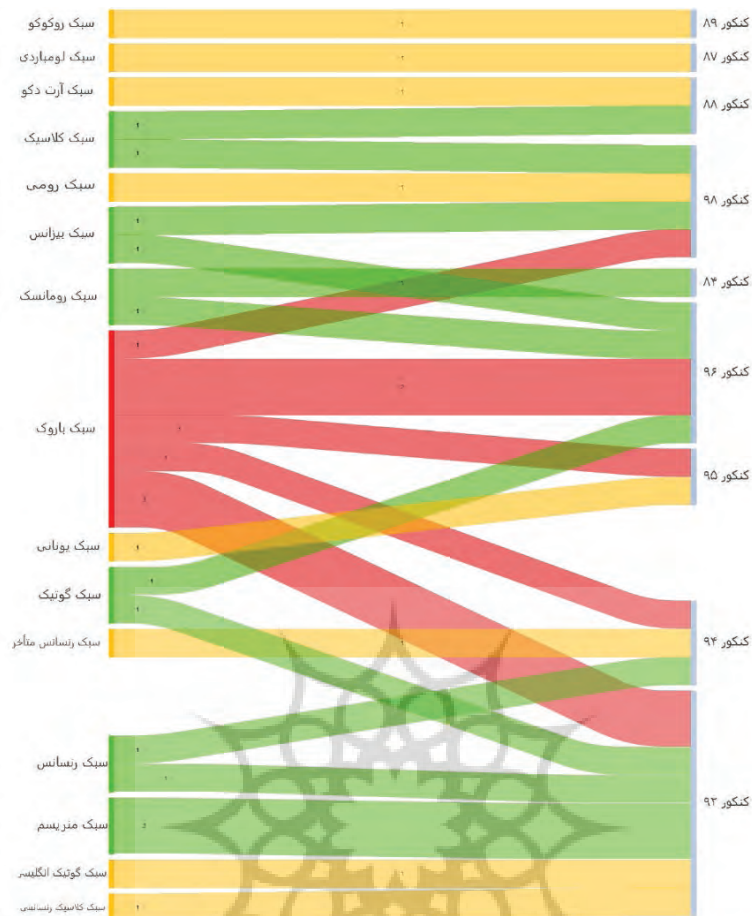
به‌جز سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، در همه سال‌ها اصطلاح «معماری» برای اشاره به موجودیت‌های مختلف به کار رفته است. برخی از این موجودیت‌ها فقط در یک سال ذکر شده است. کاربرد اصطلاح «معماری روم» به سال ۱۳۸۷ منحصر است. «معماری کارولنژی» فقط در کنکور ۱۳۹۳ ذکر شده است. اصطلاح‌های «معماری اروپا»، «معماری ساسانی» و «معماری سلسله چینگ» نیز مختص کنکور ۱۳۹۶ است. نام برخی دیگر، دو بار تکرار شده است: معماری بودایی (۸۱ و ۹۰)، معماری بین‌النهرین (دو بار در سال ۹۸)، معماری چین (۹۶ و ۹۹)، معماری ژاپن (۹۶ و ۹۹)، معماری کلاسیک (۸۹ و ۹۹)، معماری هخامنشی (۹۶ و ۹۸) و معماری هند (۸۲ و ۹۶). ذکر نام معماری چین، هند، ژاپن و سلسله چینگ در کنکور سال ۱۳۹۶ نشانه توجه ویژه طراحان به معماری شرق آسیا در این سال بوده است.

نکته جالب این است که عبارت «معماری غرب» و «معماری گوتیک» بیشترین بسامد را در تست‌ها دارد. نام معماری رنسانس، بیزانس، یونان^{۲۶}، مصر و باروک که سه بار تکرار شده، در مرتبه بعدی اهمیت قرار دارد. توزیع این نام‌ها در سال‌های مختلف الگوی مشخصی از افزایش یا کاهش بسامد آن را در طول زمان نشان نمی‌دهد. برخلاف نام دوره‌ها که اغلب همایند شده‌اند، کلمه «معماری» بیشتر برای اشاره به موجودیت‌های منفرد به کار رفته است. فقط یک دسته‌بندی را می‌توان براساس این واژه مشاهده کرد. در این دسته، معماری کارولنژی با معماری بیزانس همایند است و نام معماری بیزانس نیز همراه با معماری مصر، یونان و بین‌النهرین آمده است. این مجموعه از طریق معماری هخامنشی به معماری ساسانی، بومی هند^{۲۷} و سلسله چینگ مرتبط شده است. این نشان می‌دهد که معماری هخامنشی در نقش مفصلی است که موجودیت‌های شرق و غربش را به هم پیوند می‌دهد. نام سایر موجودیت‌ها نظیر معماری ژاپن، چین، روم، بودایی، گوتیک و باروک به‌صورت منفرد آمده است و فقط در یک تست عبارت «معماری رنسانس» در ارتباط با «معماری کلاسیک» قرار گرفته است.

سبک

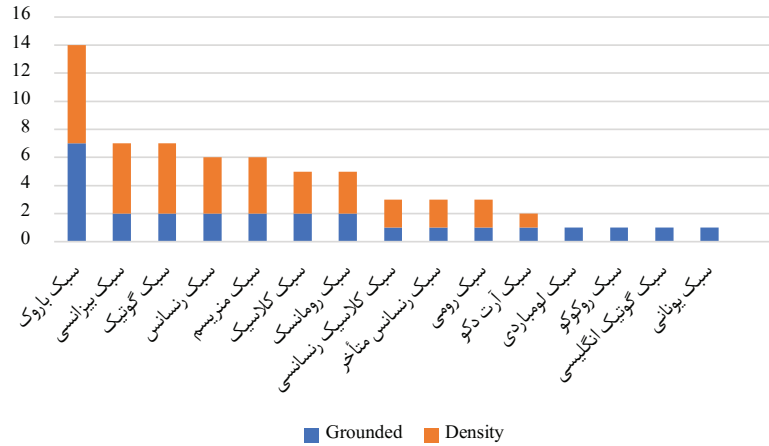
بعد از «معماری» و «دوره»، طراحان در چهارده تست از کلمه سبک بهره گرفته‌اند و برای توصیف آن پانزده کلمه مختلف را به کار برده‌اند. در بیست سال گذشته این واژه در نُه سال به کار رفته است (شکل ۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۳. نمودار توزیع سبک‌ها در سال‌های مختلف

«سبک باروک» با اختلافی چشمگیر هم بیشترین بسامد را دارد و هم بیشترین ارتباط را با دیگر سبک‌ها برقرار کرده است. بعد از آن پیترانس، گوتیک، رومانسک، رنسانس، منریسم و کلاسیک، هر یک با دو بار تکرار، در مرتبه بعدی قرار دارند. نکته درخور توجه این است که کلمه سبک در هیچ تستی برای توصیف معماری متأخر یا متقدم غیرغربی به کار نرفته است. با این حال، از واژگانی چون «سبک رومی» و «سبک یونانی» که به معماری‌های متقدم غربی ارجاع می‌دهد، استفاده شده است. این نشان می‌دهد که در گفتمان ارزیابی معماری جهان گرچه ممکن است از دوره‌های معماری غیراروپایی سخن گفت، اما اشاره به سبک‌های آن همانند معماری اروپایی ممکن نیست (شکل ۴). از آنجا که می‌دانیم معماری غیراروپایی نیز سبک‌های خاص خود را دارد، فقدان سبک غیراروپایی در تست‌ها نشانه نگاهی جانب‌دارانه به مقوله سبک‌شناسی در معماری جهان است. می‌توان پرسید که چگونه ممکن است از «سبک لمباردی» که سبکی محلی است سخنی به میان آید، اما اشاره‌ای به سبک بناهای واقع در چین یا هند نشود.

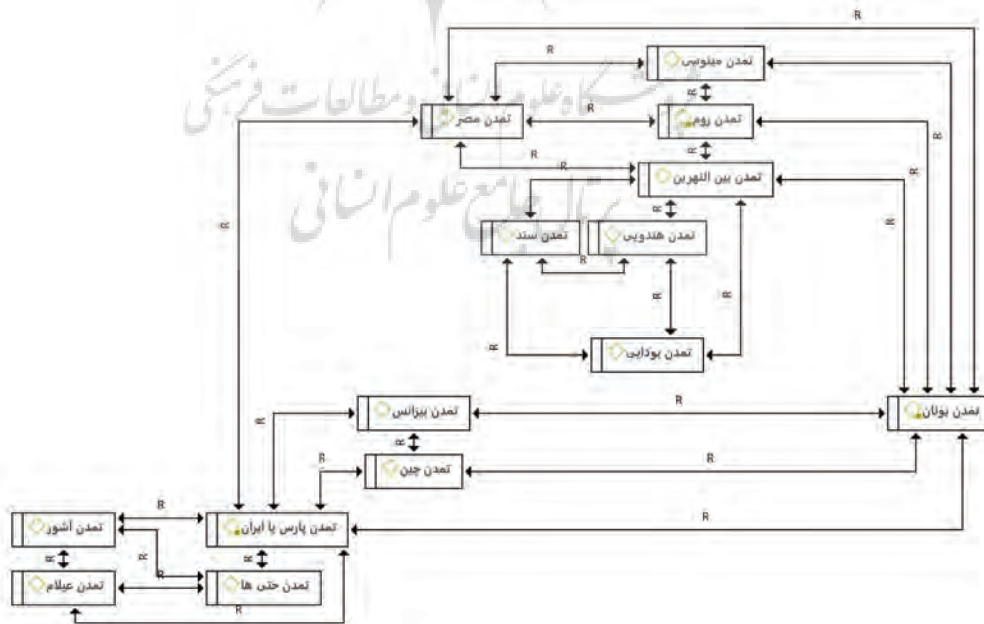


شکل ۴. بسامد سبک‌ها و تعدد روابط میان آن‌ها

تمدن

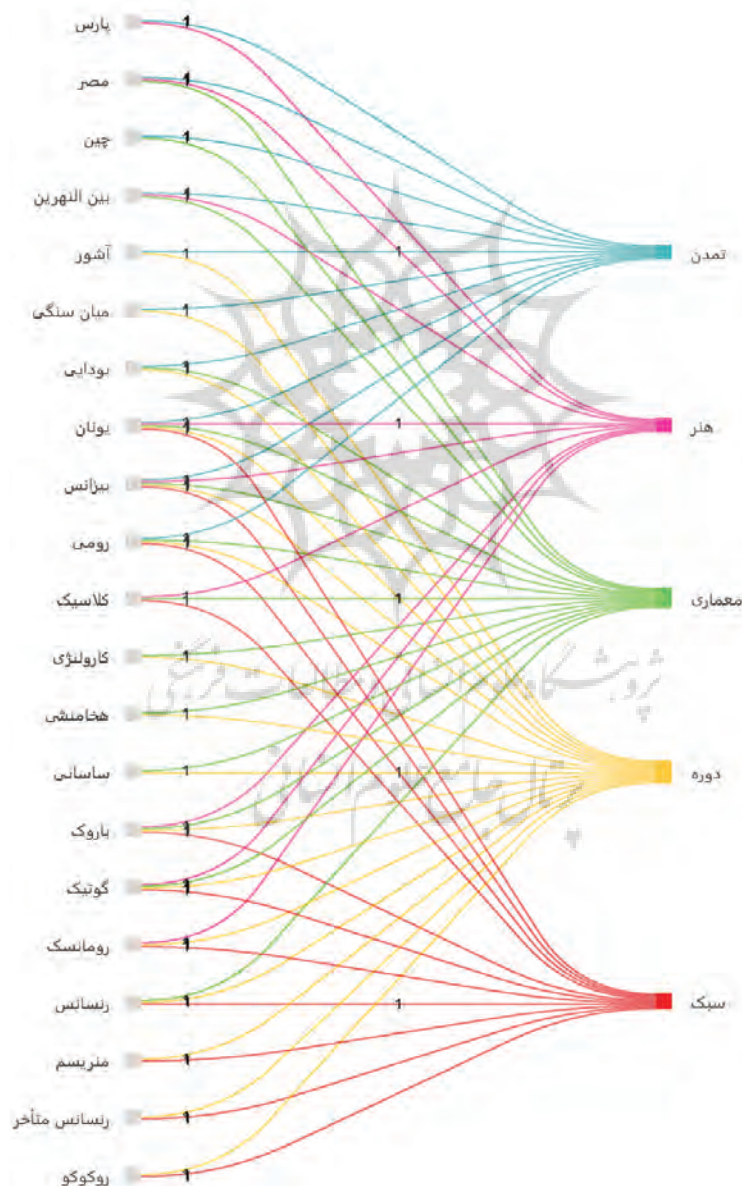
واژه «تمدن» یکی دیگر از واژگانی است که طراحان برای اشاره به موجودیت‌های معماری جهان از آن بهره گرفته‌اند. در تست‌ها از هجده موجودیت با عنوان «تمدن» یاد شده است^{۲۸}. از این میان، تمدن یونان، مصر، بین‌النهرین و روم بیشترین بسامد را دارند. اگر از نظر تعدد روابط میان تمدن‌ها بنگریم، تمدن ایران و یونان واجد بالاترین اهمیت است. تحلیل تست‌ها گواه این است که از واژه تمدن بیشتر برای اشاره به موجودیت‌های تاریخی متقدم‌تر استفاده شده است. در یک تست هم، که نمونه‌ای استثنایی است، از میان‌سنگی، آغازین‌سنگی و پارینه‌سنگی با عنوان «تمدن اولیه» یاد شده است.

تحلیل روابط میان تمدن‌ها در تست‌ها حکایت از نقش مفصل‌گونه تمدن پارس دارد که از یک سو با «آشور» و «عیلام» و «حتی‌ها» همایند است و از دیگر سو با چین و بیزنس و یونان (شکل ۵). تمدن‌های سند، هندویی و بودایی نه با پارس مرتبط شده‌اند و نه با تمدن‌های روم و یونان و مینوسی و مصر. این در حالی است که بعد از حمله اسکندر، می‌توان ارتباط معبد بودایی و هندو با معماری یونانی‌مآب را به‌خوبی مشاهده کرد^{۲۹}.



شکل ۵. همایندی نام تمدن‌ها در سال‌های مختلف

اگر به همایندهای واژگانی چون دوره، سبک، معماری، تمدن و هنر در تست‌ها نگاه کنیم، متوجه هم‌پوشانی‌هایی می‌شویم (شکل ۶). برای مثال، با همه این واژه‌ها به «یونان» و «بیزانس» اشاره شده است و این خود نشان از اهمیت این دو مقوله دارد. در تست‌ها هم نام سبک بیزانسی و رومی و یونانی آمده است و هم تمدن بیزانس و روم و یونان. نام «گوتیک» و «باروک» مضاف‌الیه چهار واژه دوره، سبک، معماری و هنر شده است و فقط با عنوان «تمدن» از آن یاد نشده است. نام منریسم، روکوکو و باروک فقط با عنوان سبک و دوره آمده است. از هخامنشی و ساسانی و کارولنژی هم به‌عنوان «معماری» و هم «دوره» یاد شده است. چین، بین‌النهرین، مصر و بودایی نیز از نظر کلمه‌های مضاف با هم قرابت دارند. به هیچ‌یک از این موجودیت‌ها با عنوان «سبک» اشاره نشده است. به‌صورت کلی، به نظر نمی‌رسد که از حیث اصطلاح‌شناختی دقتی در به‌کارگیری این پنج مقوله وجود داشته باشد.



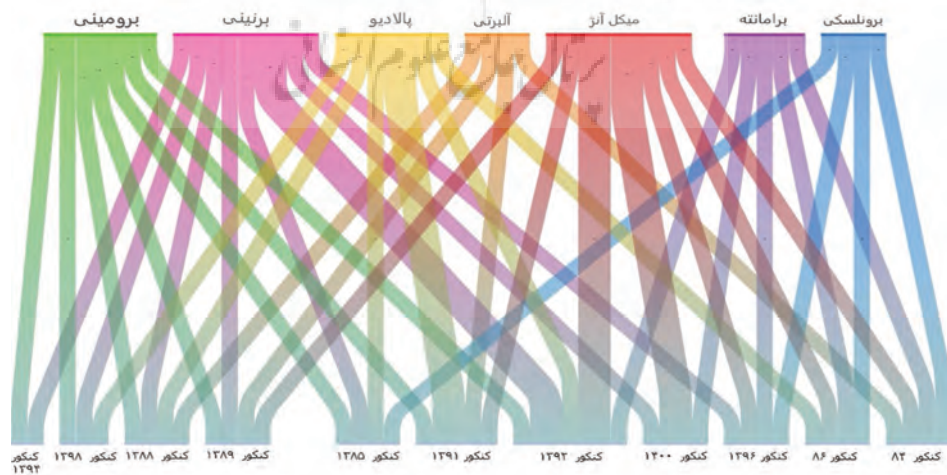
شکل ۶. هم‌پوشانی مضاف‌الیه‌های تمدن، هنر، معماری، سبک و دوره در تست‌ها

اشخاص

در مجموعه تست‌هایی که از سال ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰ در کنکورهای کارشناسی ارشد معماری به معماری جهان اختصاص پیدا کرده است، نام ۳۱ انسان ذکر شده است. میانگین ذکر نام اشخاص در بیست سال گذشته، ۴ نام در هر سال بوده است. در کنکور ۱۳۸۴ برای اولین بار نام اشخاص به میان آمد. این روند تا کنکور ۱۴۰۰ ادامه داشته است. البته در کنکورهای سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ اسم هیچ فردی برده نشده است. در آن سوی طیف، در تست‌های سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۱۱ و ۱۲ بار به نام اشخاص در تست‌ها اشاره شده است. هفتادوهفت درصد از این نام‌ها به معماران یا نقاشان اختصاص دارد. به جز معماران و نقاشان، جورج و وزاری تنها مورخی است که نامش در میان اسامی به چشم می‌خورد. نام سه شخصیت سیاسی و سه شخصیت مذهبی هم در بین اشخاص دیده می‌شود.

با بررسی دوره زمانی زندگی اشخاص متوجه می‌شویم که از نظر توزیع تاریخی، توازنی در تست‌ها وجود ندارد. بیشتر این اشخاص متعلق به سده‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی هستند. این بدین معنی نیست که هر چه به دوران معاصر نزدیک‌تر می‌شویم، نام افراد بیشتری ذکر می‌شود. برای مثال، فقط بوفران و بالتازار نویمان به سده هجدهم تعلق دارند و لوکوربوزیه و فرانک لوید رایت تنها اشخاص متعلق به سده‌های نوزدهم و بیستم هستند که نامشان فقط در یک تست ذکر شده است. کاهش بسامد نام شخصیت‌های متأخر می‌تواند به این دلیل باشد که آنان بیشتر در تست‌های مربوط به «معماری معاصر» حضور دارند. با این حال، اگر به دوران پیش از رنسانس هم نظر کنیم، متوجه می‌شویم که در تست‌ها از میان آدمیانی که از سده دوم میلادی تا سده چهاردهم میلادی (۱۲ سده) بر کره خاکی زندگی کرده‌اند، نام هیچ شخصی برده نشده است و فقط شش نفر (۱۹ درصد) از اسامی متعلق به پیش از میلاد هستند.

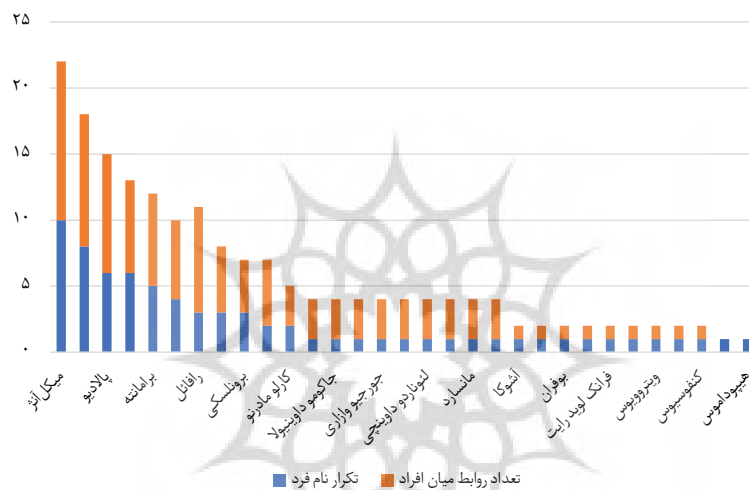
بسامد نام افراد در بیست‌سال گذشته متوازن نبوده است. نام برخی از اشخاص پربسامدتر از بقیه است. می‌توان میکل آنژ و برنینی را که نامشان ۹ بار در تست‌ها تکرار شده است، شخصیت‌های کانونی تلقی کرد. در مراتب بعدی، اسامی پالادیو و برومینی (۷ بار)، برامانته (۵ بار)، برونسکی و آلبرتی (۴ بار)، بالتازار نویمان و رافائل به چشم می‌خورد. این اسامی گواه اهمیت «دوره» یا «سیکی» است که با دو واژه «رنسانس» و «باروک» در تست‌ها به آن اشاره شده است. نام این اشخاص کانونی در تست‌های بیست سال گذشته به صورت نسبتاً متوازنی توزیع شده است (شکل ۷). در نتیجه، نمی‌توان تغییر رویه معناداری در میزان توجه طراحان به شخصیت‌های غیراروپایی مشاهده کرد.



شکل ۷. توزیع نام شخصیت‌های کانونی در سال‌های مختلف

نام ۲۰ نفر (۶۴ درصد) فقط یک بار در تست‌ها آمده است: دا سانگالو^{۳۰} و داوینچی (۱۳۸۶)؛ کنفوسیوس و لائو تسه (۱۳۸۷)؛ بوفران (۱۳۸۹)؛ ویتروویوس، هیپوداموس، پریکلس، فرانک لویدرایت و لوکوربوزیه (۱۳۹۱)؛ جورجونه و وازاری (۱۳۹۲)؛ بوتچلی و جوتو (۱۳۹۵)؛ آشوکا و بودا (۱۳۹۶)؛ جاکومو داوینیولا، مارتینو لونگی بزرگ و مانسارد (۱۳۹۸)؛ ترایانوس (۱۳۹۹). می‌توان گفت که از حیث کاربرد اسامی غیراروپایی، اروپامداری کنکورهای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۶ کمتر از بقیه سال‌ها بوده است.

راه دیگر تحلیل جایگاه و اهمیت اشخاص، شمردن تعدد ارتباط‌هایی است که در تست‌ها میان آنان برقرار شده است. به بیان دیگر، می‌توان تحلیل کرد که نام هر یک از اشخاص در بیست سال گذشته به چه اشخاص دیگری مرتبط شده است. این تحلیل نیز نشان‌دهنده اهمیت میکلا آنژ (۱۲ ارتباط) است. در مرتبه دوم نام پالادیو و برنینی (۱۰ ارتباط) قرار می‌گیرد و پس از آن‌ها به ترتیب رافائل، برومینی، برامانته، برونلسکی و آلبرتی قرار دارند (شکل ۸).



شکل ۸. میزان تکرار نام هر فرد و تعدد روابط او با سایر افراد در تست‌ها

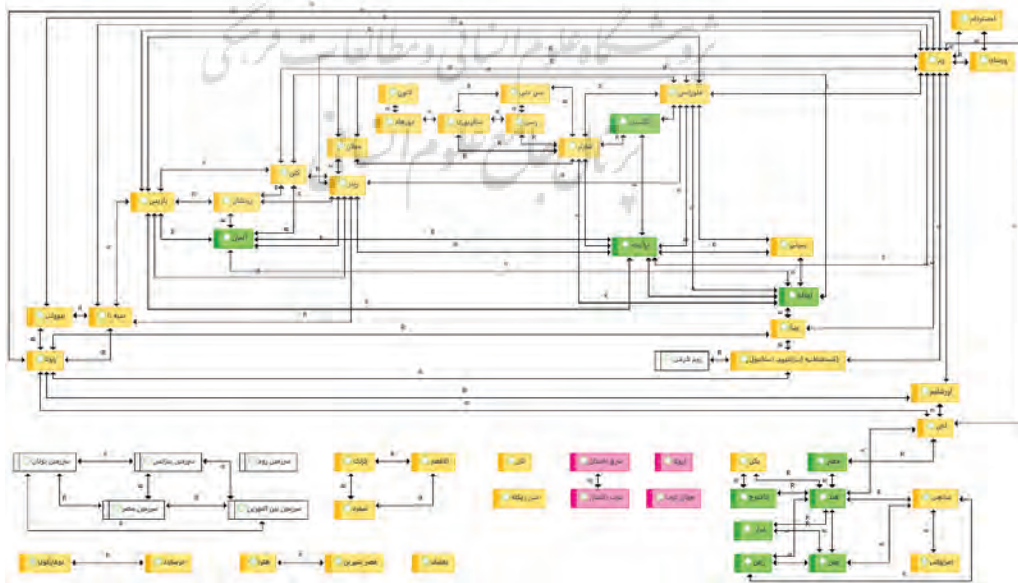
با ترسیم نمودار همبندی نام اشخاص با یکدیگر نیز می‌توان از نحوه اتصال آنان در نگاه طراحان نقشه‌برداری کرد (شکل ۹). این نقشه گواه مرکزیت میکلا آنژ، پالادیو، برنینی، برامانته، برومینی و آلبرتی است. در اینجا نیز شبکه معماران و نقاشان رنسانس و باروک جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص می‌دهد. گرچه تعداد روابط رافائل به اندازه افراد مذکور نیست، او در تست‌ها در نقش مفصلی ظاهر شده است که دسته‌های نقاشان را به معماران پیوند می‌دهد. در یک تست، نام ویتروویوس و پریکلس در کنار یکدیگر ذکر شده است. از سوی دیگر، در این شبکه، اشخاص غیرغربی مانند بودا، آشوکا، کنفوسیوس و لائو تسه ارتباطی با شبکه اشخاص غربی برقرار نکرده‌اند.

جدافتادگی نسبی شهرهای غیراروپایی است. از آنجا که امروزه ارتباط شهرهای آفرو-اوراسیا^{۳۵} از طریق جاده ابریشم و مسیرهای دریایی جنوب شرقی آسیا بر کسی پوشیده نیست، منزوی بودن این شهرها در تست‌ها نمی‌تواند بازنمایی‌گر واقعیت تاریخی ارتباط این شهرها با یکدیگر باشد، بلکه نظم فضایی جهانی استعماری را به ذهن متبادر می‌کند.

نکته حائز اهمیت این است که موقعیت جغرافیایی و تاریخی قسطنطنیه ایجاب می‌کند که آن را در حکم پلی میان شهرهای شرقی‌تر و مرکز اروپا ببینیم. اما در تست‌های معماری جهان، هیچ اشاره‌ای به ارتباط‌های این شهر با شهرهای شرقی‌اش نشده است و طراحان آن را در شبکه روابطی با شهرهای پیزا، راونا و رم محصور کرده‌اند. مقاله دل آپتن (2009) درباره بعلبک نیز نشان می‌دهد که این شهر در طول تاریخ بلندش در شبکه‌های مختلفی از روابط بین منطقه‌ای قرار گرفته است، اما در تست‌های معماری جهان، خبری از ارتباط میان این شهر با دیگر شهرها نیست.

علاوه بر نام شهرها، نام واحدهای کلان‌تر فضایی نیز در تست‌ها به کار رفته است. این واحدها نیز روابطی را با یکدیگر و نیز با شهرها برقرار ساخته‌اند (شکل ۱۱). تحلیل روابط میان این واحدها نشان می‌دهد که جغرافیای برساخته معماری جهان به هم پیوسته نیست و دو دسته جدا را می‌توان در آن شناسایی کرد. دسته اول به کشورهای اروپایی (ایتالیا، فرانسه، انگلستان و آلمان) ارجاع می‌دهد و دسته دوم شامل چین، ژاپن، هند، کامبوج، مصر و ایران است. نکته جالب توجه در ارتباط میان شهرها و کشورها این است که جغرافیای آسیا از طریق شهر آخن به باقی اروپا وصل شده است. این نشان می‌دهد که جغرافیای ذهنی طراحان حتی با موقعیت عینی شهر آخن نیز ناسازگار است.

در تست‌ها از نام قاره‌ها، فقط کلمه «اروپا» به چشم می‌خورد. دو بار به کلمه «جهان غرب» نیز اشاره شده است، اما واژه «جهان» به جهات دیگر جغرافیایی مرتبط نشده است. مهجور ماندن اصطلاح «شمال جهانی» و «جنوب جهانی»^{۳۶} دیدگاه غیرانتقادی حاکم بر گفتمان معماری جهان در ایران را نشان می‌دهد. در یک تست دو واژه «شرق باستان» و «غرب باستان» در ارتباط با هم به کار رفته است. به نظر می‌رسد که جغرافیای مورد نظر طراحان، جغرافیایی دوقطبی است که بازتاب‌دهنده تقسیم‌بندی شرق شناسانه^{۳۷} جهان به دو دسته کلی شرق و غرب است^{۳۸}.



شکل ۱۱. روابط میان شهرها و واحدهای کلان جغرافیایی در تست‌ها

اگر از نظر توزیع نام شهرها در سال‌های مختلف به کنکور بنگریم، به‌جز در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۶، در همه سال‌ها نام شهرها دیده می‌شود. در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۹ اسم شهرها یازده بار تکرار شده است که از این نظر در جایگاه اول قرار دارند. در سال‌های اخیر، از اهمیت شهرهای اروپایی کم نشده است. برای مثال، در سال ۱۴۰۰، علاوه بر نام پکن و اورشلیم، نام آخن و راونا و رم نیز آمده است. در سال ۱۳۹۹ گرچه نام سه شهر مصری (سقره، کرنک و الاقصر) در یک تست دیده می‌شود، نام راونا، سیه‌نا، تیوولی و رم نیز به چشم می‌خورد. کنکور ۱۳۹۸ نیز فقط از سن‌دنی و شارتر و رنس نام برده است. کنکور ۱۳۹۷ به ونیز، سیه‌نا، رم، پاریس و آتن اشاره کرده است. در کنکور ۱۳۹۳ نیز علاوه بر بعلبک و خرساباد و بوغازکوی، نام آخن، راونا و رم حضور دارد.

بناها

در بیست سال گذشته، نام ۹۸ بنای متمایز ذکر شده است^{۳۹}. به‌صورت میانگین، در هر سال هشت بار به نام بناها اشاره شده است. در کنکور سال ۱۳۹۸، ۱۸ بار در تست‌ها نام بناها آمده است که از این حیث، در مرتبه اول قرار دارد. در سوی مقابل، در کنکور ۱۳۹۰ به نام هیچ بنای مشخصی اشاره نشده است.

از میان انواع بناها، کلیسا با ۳۴ نماینده بیشترین اهمیت را نزد طراحان داشته است. اگر اشاره به نمازخانه‌ها و دیرهای مسیحی را لحاظ کنیم، ۳۹ بنا به مسیحیت تعلق دارد. فقط یک بار نام ایاصوفیه با عنوان «مسجد» نیز ذکر شده است، اما نام هیچ کنیسه‌ای در تست‌ها دیده نمی‌شود. افزون بر این، واژه «کلیسا» در ۵۱ تست متمایز تکرار شده است. این واژه پربسامدترین کد در پژوهش حاضر به شمار می‌رود. بعد از کلیسا، برای اشاره به نوع بنا ۲۶ بار از کلمه معبد استفاده شده است.

مسیحیت نه‌تنها از حیث تکرار بناهایش جایگاهی مسلط دارد، عناوینی که برای اشاره به معماری آن به کار رفته است نیز تنوع بی‌همتایی را نشان می‌دهد. در تست‌ها عناوینی چون «کاتدرال»، «کلیسای اعظم»، «بازیلیکا»، «تعمیدگاه»، «نمازخانه» و «دیر» برای اشاره به این بناها به کار رفته است. اما برای اشاره به بناهای مذهبی آسیا، فارغ از تنوعشان، عمدتاً از نام کلی «معبد» استفاده شده است. بعد از معبد، واژگانی چون استوپا، زیگورات، چایتیا و بنای مقدس با بسامد بسیار کمتری دیده می‌شود.

نام ۶۵ بنا فقط یک بار ذکر شده است. نام ۱۲ بنا دو بار و نام ۱۱ بنا سه بار تکرار شده است. فقط نام ۷ بنا چهار بار آمده است: استوپای سانچی، تخت جمشید، زیگورات اور، سنت ایوو آلا ساینتره، کلیسای سان پیترو، کلیسای نوتردام و میدان سنت پیترو. ایاصوفیه^{۴۰}، سانتا ماریا دل فیوره و نمازخانه سلطنتی شارلمانی با ۵ بسامد، از مهمترین بناها محسوب می‌شود. اما از حیث میزان همایندی نام بناها در تست‌ها، جایگاه کلیسای نوتردام (۱۱ همایند)، نمازخانه سلطنتی شارلمانی (۱۰ همایند) و کلیسای اعظم شارتر، ویلا روتوندا و کلیسای سانتو اسپیریتو (۹ همایند) بالاتر از بقیه است.

برخلاف به‌هم‌پیوستگی جغرافیای آفریقا-اوراسیا، شیوه همایندی بناها در تست‌ها به مجمع‌الجزایری می‌ماند که سه جزیره بزرگ در آن تشخیص‌پذیر است. بزرگترین جزیره از بناها با ۵۳ عضو به معماری اروپایی اختصاص دارد. در این شبکه درهم‌تنیده، انواع بناهای اروپایی ارتباط‌های متنوعی با یکدیگر برقرار ساخته‌اند. این شبکه چندکانونی است. برای مثال، کلیسای نوتردام، کانونی است که با کلیساهای گوتیک، کاخ ورسای و بناهای شهر ونیز همایند شده است. نمازخانه سلطنتی شارلمانی کانون دیگری است که نامش همزمان با بناهای بیزنس، اتونی و کارولنژی آمده است. کلیسای اعظم شارتر نیز علاوه بر بناهای گوتیک با پانتئون، پالاتزو اوفیتزی، پارلمان انگلستان و کلیسای سانتو اسپیریتو همایند شده است. ویلا روتوندا مرکز دیگری است که

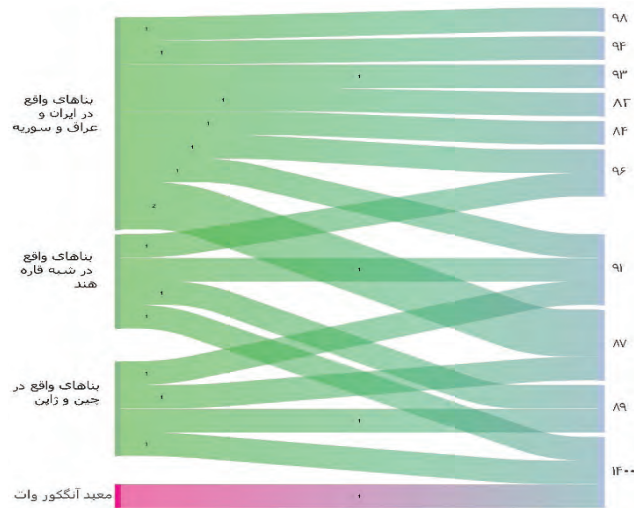
و سه بنا در ژاپن اشاره شده است. از جنوب شرقی آسیا، به‌رغم میراث معماری غنی‌اش، فقط نام یک بنا در کامبوج دیده می‌شود. از قاره آفریقا نام سه بنای متعلق به مصر باستان دیده می‌شود و از کل قاره آمریکا نام هیچ بنایی دیده نمی‌شود.

بناهای ذکرشده در تست‌های معماری جهان، فقط در ۱۸ دولت-ملت امروزی قرار گرفته است. سی‌وهفت درصد از کل بناها در کشور ایتالیا و ۲۰ بنا فقط در شهر رم واقع است. یعنی در نظر طراحان، اهمیت بناهای شهر رم از هر شهر و کشور دیگری بیشتر بوده است (شکل ۱۳). بعد از ایتالیا، بناهای واقع در کشور فرانسه با ده بنا در مقام دوم و عراق در مقام سوم قرار دارند. البته بناهای واقع در عراق، متعلق به دوره‌های بسیار متقدم است. توزیع نامتوازن بناها در تست‌های معماری جهان نمایان‌گر واقعیت تاریخ معماری جهان نیست، بلکه بیشتر نشانه تأثیر نظام دانشگاهی معماری ایتالیا بر آموزش معماری جهان در ایران است. کافی است به یاد آوریم که حتی اگر معماری رومی در کانون توجه باشد، قصر دیوکلتیانوس^{۴۳}، امپراتور روم، در کرواسی امروزی قرار گرفته یا شهر رومی تیمگاد در الجزایر امروزی واقع است تا بی‌توازی جغرافیایی در فهم معماری روم نیز خود را نشان دهد.



شکل ۱۳. توزیع جغرافیایی بناهایی که نامشان در تست‌ها ذکر شده است.

از نظر توزیع نام بناها در سال‌های مختلف می‌توان گفت که به‌جز سال ۱۳۸۲ و ۱۳۹۶ در همه سال‌ها نام بناهای واقع در اروپا ذکر شده است. اما نام بناهای واقع در چین و ژاپن به چهار سال (۱۳۸۷، ۱۳۸۹، ۱۳۹۱ و ۱۴۰۰) محدود است. از معبد «آنگکور وات»^{۴۴} کامبوج فقط در سال ۱۴۰۰ نامی برده شده است و نام سه بنای واقع در مصر فقط به یک تست مربوط به سال ۱۳۹۹ محدود مانده است. اما بناهای واقع در ایران و عراق و سوریه توزیع بیشتری دارند (شکل ۱۴).



شکل ۱۴. توزیع بناهای واقع در کشورهای غیراروپایی در سال‌های مختلف

اگر توزیع بناهای کانونی را در سال‌های مختلف بررسی کنیم، شاهد کم‌رنگ شدن حضور این بناها در سال‌های اخیر نیستیم. برای مثال، نام نمازخانه سلطنتی شارلمانی، ایاصوفیه و کلیسای سن پیترو در کنکور ۱۴۰۰ آمده است. البته نام استوپای سانچی نیز، به‌عنوان تنها کانون غیرغربی، در این سال دیده می‌شود. در سوی مقابل، شاهدی بر پررنگ شدن حضور کانون‌های غیرغربی نیز وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

بررسی تست‌ها در بیست سال گذشته نشان می‌دهد که ارزیابی درس «معماری جهان»، برخلاف نامش، نمایانگر معماری کل کره زمین در همه اعصار نیست و به‌لحاظ تاریخی و جغرافیایی مراکز و حاشیه‌هایی را می‌توان در آن شناسایی کرد. از نظر دوره‌بندی، دوره‌های مربوط به تاریخ معماری اروپا غالب است و با جزئیات بیشتری درباره‌شان سخن رفته است. در این میان، یونان و روم باستان در نقش مفصلی عمل می‌کند که دوره‌های کهن‌تر مربوط به مصر و بین‌النهرین را به دوره‌های متأخر اروپایی پیوند می‌زند.

در مقوله سبک، کانون آزمون معماری جهان «سبک باروک» است و بعد از آن نیز سبک‌های معماری اروپایی قرار گرفته است؛ اما هیچ اشاره‌ای به سبک‌های معماری غیراروپایی نشده است. در تست‌ها از واژه «تمدن» بیشتر برای اشاره به موجودیت‌های تاریخی متقدم‌تر استفاده شده است. میان این تمدن‌ها، «یونان باستان» نقش کانونی را بازی می‌کند.

اگر به جغرافیای معماری جهان بنگریم، متوجه مرکزیت سه شهر رم، ونیز و فلورانس می‌شویم که شبکه شهرهای اروپایی را به هم وصل کرده‌اند. اما شهرهای غیراروپایی عمدتاً منزوی‌اند. اگر به واحدهای کلان فضایی نظر کنیم، می‌بینیم که «جهان غرب»، «اروپا» و «ایتالیا» تسلط دارند. همچنین، نظم حاکم بر تست‌ها جهان را به شیوه‌ای شرق‌شناسانه به دو دسته شرق و غرب تقسیم کرده است.

اگر به اشخاص بنگریم، باز هم معماران مرد اروپایی منسوب به رنسانس و باروک بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند و اگر به نوع بناها توجه کنیم، شاهد سلطه بی‌چون‌وچرای «کلیسا» و بناهای مسیحیت هستیم. افزون بر این، انواع بناهای اروپایی در تست‌های بیست سال گذشته شبکه درهم‌تنیده‌ای از روابط را با یکدیگر برقرار ساخته‌اند، اما برای معماری غیراروپایی نمی‌توان چنین پیوند پیچیده‌ای را شناسایی کرد. بلکه

دو دسته کوچک بناهای بین‌النهرین و بناهای شرق آسیا جدا از معماری اروپایی دیده می‌شود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت کنکور کارشناسی‌ارشد معماری جهان از دانشجو انتظار دارد جهانی اروپامدار را به مرکزیت ایتالیا و دوره‌های رنسانس و باروک بشناسد. این جهان اروپامدار نه تنها تسلط دارد، بلکه ارتباط معناداری با دیگری‌های خود در جنوب و شرق و حتی غربش (امریکای پیشاکلمبی) برقرار نمی‌سازد. شکل بازنمایی جهان در کنکور معماری جهان، بر ضرورت بازبینی در برنامه‌ها، کتب درسی و آزمون‌های معماری جهان در ایران صحنه می‌گذارد تا امکان روایت تاریخ معماری جهان از چشم‌انداز مردمان «جنوب جهانی» در آن فراهم شود.

پی‌نوشت‌ها

1. World-making
2. Eurocentric
3. European Exceptionalism
4. Alterity
5. Purging
۶. برای آشنایی بیشتر با مفهوم «اروپامداری» بنگرید به (Amin, 2009)، (Wallerstein, 1997)، (Dussel, 1998)
۷. با توجه به اینکه خود مفهوم خاورمیانه نیز حاصل مفهوم‌پردازی استعماری است، از این کلمه در گیومه استفاده کرده‌ایم.
۸. برای نمونه، بنگرید به فهرست (گاردنر، ۱۳۸۱).
9. James Fergusson
10. Wilhelm Lübke
11. Franz Kugler
12. The Other
13. Global North
14. Spiro Kostof
15. Kathleen James-Chakraborty
16. Richard Ingersoll
17. Murray Fraser
18. Qualitative Content Analysis
19. Coding Unit
20. Data-driven categories
21. Atlas.ti
22. In Vivo
۲۳. کلمه «رنسانس» با عنوان سبک، معماری و هنر نیز به کار رفته است.
۲۴. Code-Document Table
۲۵. هنر باروک، هنر بیزانس، هنر بین‌النهرین، هنر پارسی، هنر روم شرقی، هنر رومانسک، هنر کلاسیک، هنر گوتیک، هنر مادها، هنر مصر، هنر یونان
۲۶. در یک تست از کلمه «معماری یونانی» و در تست دیگری از کلمه «معماری یونان باستان» استفاده شده است.
۲۷. نکته جالب این است که عبارت «بومی هند»، برخلاف ساسانی، هخامنشی و سلسله چینگ، به موجودیتی سیاسی اشاره نمی‌کند. این در حالی است که هندوستان در همان دوران امپراتوری‌ها و پادشاهی‌های مهمی چون پادشاهی کوشانی و گوپتا داشته است.
۲۸. اسامی تمدن‌ها بدین شرح است: یونان، مصر، روم، بین‌النهرین، سند، بودایی، هندویی، آغازین‌سنگی، میان‌سنگی، پارینه‌سنگی، پارس (ایران)، حتی‌ها، عیلام، کرت، آشور، بیزانس، مینوسی، چین
۲۹. برای نمونه، استوای گلدره در افغانستان امروزی، تلفیقی از معماری یونانی‌مآب و معماری بودایی را به نمایش می‌گذارد.
۳۰. در متن تست کلمه «راسانگلو» تایپ شده است که احتمالاً منظور طراح «جولیانو دا سانگالو» است.

۳۱. در یکی از تست‌ها به جای کلمه «رم» از عبارت «شهر روم» استفاده شده است. واژه «روم» در مقام تمدن و دوره در بخش‌های قبلی تحلیل شده است.
۳۲. در یکی از تست‌ها از کلمه «بیزانتیوم» و در دیگری از کلمه «استانبول» استفاده شده است که برای پرهیز از تکرار نام یک موجودیت با «قسطنطنیه» ادغام شدند.
33. World-Systems Theory
34. Teotihuacán
35. Afro-Eurasia
۳۶. در دهه‌های پنجاه و شصت سده بیستم میلادی، کشورها را به سه دسته جهان اول (سرمایه‌داری)، جهان دوم (کمونیستی) و جهان سوم تقسیم می‌کردند. اصطلاح «جهان سوم» در ابتدا دلالتی سیاسی داشت و بر کشورهای اطلاق می‌شد که هیچ یک از آن دو مدل اول را نمی‌پذیرفتند. اما از آنجا که کلمه جهان سوم بار معنایی منفی پیدا کرد، رفته‌رفته کاربردش کمتر شد. در دهه ۱۹۷۰ این دسته‌بندی جای خود را به جنوب و شمال جهانی داد؛ واژگانی که در دهه ۱۹۸۰ محبوبیت بیشتری پیدا کردند. این واژگان به نابرابری جهانی حاصل از ظهور برده‌داری، استعمار و صنعتی‌سازی اشاره می‌کنند که از سده هجدهم آغاز شده است و تبعات آن تاکنون ادامه دارد (Horner & Carmody, 2020).
37. Orientalist
۳۸. تا آغاز سده بیستم، در جهان اسلام، مفاهیم «شرق» و «غرب»، به جغرافیای درون آن ارجاع می‌دادند. اولی برای اشاره به «جهان پارسی‌مآب» و دومی برای «شمال آفریقا» به کار می‌رفت. به بیان دیگر، تقسیم کل جهان به دو بخش شرق و غرب پدیده‌ای متأخر است که با استعمار ارتباط دارد. برای مطالعه بیشتر در این باره بنگرید به (Amanat, 2011).
۳۹. نام تالار آپادانا، تالار صدستون، دروازه ملل و تخت جمشید در تست‌ها آمده است. این کلمه‌ها را متمایز محسوب کرده‌ایم. همچنین نام نمازخانه سلطنتی شارلمانی و کلیسای جامع آخن را از هم تفکیک کرده‌ایم.
۴۰. از این بنا با نام‌های مختلفی چون سانتاسوفیه، ایاصوفیه و با عنوان کلیسا، مسجد و معبد در تست‌ها یاد شده است.
۴۱. تالار آپادانا، تالار صدستون و دروازه ملل
۴۲. اسامی بناهای منفرد بدین شرح است: آکروپولیس، ستون تراپانوس، کلیسا و برج پیزا، کاخ روچلا، معبد فورتونا ویریلیس
43. Diocletian
44. Angkor Wat

فهرست منابع

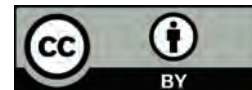
- شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۵). برنامه درسی دوره کارشناسی رشته معماری. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- قیومی بیدهندی، مهرداد، و سپهری، یحیی (۱۳۹۵). تاریخ آموزش طراحی معماری در دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران)، مرحله تکوین. صفحه، ۲۶ (۷۴)، ۲۵-۳۹.
- گاردنر، هلن (۱۳۸۱). هنر در گذر زمان (مترجم: محمدتقی فرامرزی). تهران: آگاه، نگاه.
- Akcan, Esra. (2014). Postcolonial theories in architecture. In E. Haddad, D. Rifkind, & P. L. Laurence (Eds.), *A critical history of contemporary architecture 1960-2010*, 115-136. London: Ashgate.
- Akkach, Samer. (2021). Neo-Eurocentrism and Science: Implications for the Historiography of Islamic Art and Architecture. *International Journal of Islamic Architecture*, 10(1), 203-215. https://doi.org/10.1386/ijia_00040_1
- Amanat, Abbas. (2011). Introduction: Is There a Middle East? Problematizing a Virtual Space. In M. E. Bonine, A. Amanat, & M. E. Gasper (Eds.), *Is There a Middle East?*, 1-8. Stanford University Press. <https://doi.org/10.1515/9780804782654-005>.
- Amin, Samir. (2009). *Eurocentrism: Modernity, religion, and democracy: A critique of Eurocentrism and culturalism; translated by Russell Moore and James Membrez (2nd ed.)*. New York: Monthly Review Press.

- Aygen, Zeynep. (2015). The Other's History in Built Environment Education A Case Study: History of Architecture. *Journal for Education in the Built Environment*, 5(1), 98-122. <https://doi.org/10.11120/jebe.2010.05010098>
- Baydar, Gülsü m. (1998). Toward Postcolonial Openings : Rereading Sir Banister Fletcher's "History of Architecture". *Assemblage*, 35, 7-17. <https://doi.org/10.2307/3171235>
- Baydar, Gülsü m. (2003). Teaching Architectural History in Turkey and Greece : The Burden of the Mosque and the Temple. *Journal of the Society of Architectural Historians*, 62(1), 84-91. <https://doi.org/10.2307/3655085>
- Brouwer, Petra. (2015). In the margin of the canon : Dutch architecture in the first architectural surveys of the nineteenth century. *The Journal of Architecture*, 25(8), 979-1001. <https://doi.org/10.1080/13602365.2020.1853935>
- Brouwer, Petra. (2018). The Pioneering Architectural History Books of Fergusson, Kugler, and Lübke. *Getty Research Journal*, 10(1), 105-120. <https://doi.org/10.1086/697386>
- Ching, F. D. K., Jarzombek, M., & Prakash, V. (2017). *A global history of architecture* (Third edition). Hoboken, New Jersey : John Wiley & Sons.
- Ching, Francis. D. K., Jarzombek, Mark., & Prakash, Vikramaditya. (2007). *A global history of architecture*. Hoboken, New Jersey : John Wiley & Sons.
- Choi, Don. (2007). Non-Western Architecture and the Roles of the History Survey. In C. Veikos & J. Bing (Chairs), *Fresh Air: Proceedings of the 95th ACSA Annual Meeting*, Philadelphia, PA. http://digitalcommons.calpoly.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1030&context=arch_fac.
- Conrad, Sebastian. (2016). *What is global history?* Princeton : Princeton University Press.
- de la Vega de León, Macarena. (2019a). Modern to Contemporary : A Historiography of Global in Architecture. *Cuaderno De Notas*. 20, 43-52. <https://doi.org/10.20868/cn.2019.4259>
- de la Vega de León, Macarena. (2019b). Surveying the Contribution of Women within Architectural History. In *LESS TALK / MORE ACTION: Conscious Shifts in Architectural Education*. Symposium conducted at the meeting of Stanford University, California.
- Dirlik, Arif. (2000). Confounding Metaphors, Inventions of the World: What is World History For? *Review of Education, Pedagogy, and Cultural Studies*, 22(4), 323-367. <https://doi.org/10.1080/1071441000220403>
- Dussel, Enrique. D. (1995). *The invention of the Americas: Eclipse of "the other" and the myth of modernity* (translated by Michael D. Barber). New York : Continuum.
- Dussel, Enrique. D. (1998). Beyond Eurocentrism : The world-system and the limits of modernity. In F. Jameson & M. Miyoshi (Eds.), *The cultures of globalization*, 3-31. Durham : Duke University Press.
- Fraser, Murray. (2019). A global history of architecture for an age of globalisation. *Abe Journal*. Advance online publication. <https://doi.org/10.4000/abe.5702>
- Fraser, Murray. (Ed.). (2020). *Sir Banister Fletcher's global history of architecture* (Twenty-first edition). New York : Bloomsbury Visual Arts.
- Gürel, Meltem. Ö., & Anthony, Kathryn. H. (2006). The canon and the void : Gender, race, and architectural history texts. *Journal of Architectural Education*, 59(3), 66-76. <https://doi.org/10.1111/j.1531-314X.2006.00036.x>
- Hobson, John. M. (2012). Global Dialogical History and the Challenge of Neo-Eurocentrism. In A. Bala (Ed.), *Asia, Europe, and the Emergence of Modern Science: Knowledge Crossing Boundaries*,

- 13-33. New York : Palgrave Macmillan US. https://doi.org/10.1057/9781137031730_2
- Horner, Rory., & Carmody, Pádraig. (2020). Global North/South. In R. Kitchin & N. Thrift (Eds.), *International Encyclopedia of Human Geography*, 181-187. Elsevier. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-102295-5.10648-1>
 - Ingersoll, Richard. (2019). *World architecture: A cross-cultural history* (Second edition). New York, NY: Oxford University Press.
 - James-Chakraborty, Kathleen. (2014a). Beyond postcolonialism: New directions for the history of nonwestern architecture. *Frontiers of Architectural Research*, 3(1), 1-9. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2013.10.001>
 - James-Chakraborty, Kathleen. (2014b). *Architecture since 1400*. University of Minnesota Press, Minneapolis, MN.
 - Kostof, Spiro. (1985). *A history of architecture: Settings and rituals*. New York: Oxford University Press.
 - Levitt, Peggy., & Rutherford, Markella. B. (2019). Beyond the West: Barriers to Globalizing Art History. *Art History Pedagogy & Practice*, 4(1), 1-24. <https://academicworks.cuny.edu/ahpp/vol4/iss1/2>
 - Mckean, J. (2006). Sir Banister Fletcher: Pillar to post-colonial readings. *The Journal of Architecture*, 11(2), 187-204. <https://doi.org/10.1080/13602360600786126>
 - Rabbat, Nasser. (2018). The Hidden Hand: Edward Said's Orientalism and Architectural History. *Journal of the Society of Architectural Historians*, 77(4), 388-396. <https://doi.org/10.1525/jsah.2018.77.4.388>
 - Rujivacharakul, Vimalin. (2020). Redefining the Globe: An Interview with Murray Fraser on Architectural History for the 21st Century. *Architectural Histories*, 8(1), 1-12. <https://doi.org/10.5334/ah.482>
 - Schreier, Margrit. (2020). Content Analysis, Qualitative. In *SAGE Research Methods Foundations*. 1 Oliver's Yard, 55 City Road, London EC1Y 1SP United Kingdom: SAGE Publications Ltd. <https://doi.org/10.4135/9781526421036753373>
 - Upton, Dell. (2009). Starting from Baalbek: Noah, Solomon, Saladin, and the Fluidity of Architectural History. *Journal of the Society of Architectural Historians*, 68(4), 457-465. <https://doi.org/10.1525/jsah.2009.68.4.457>
 - Wallerstein, Immanuel. (1997). Eurocentrism and its Avatars: The Dilemmas of Social Science. *Sociological Bulletin*, 46(1), 21-39. <https://doi.org/10.1177/0038022919970102>

COPYRIGHTS

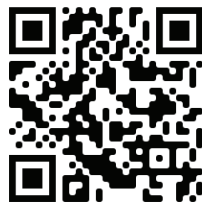
Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Journal of Architecture and Urban Planning. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

میرنظامی ضیابری، سیدمجید؛ معماریان، غلامحسین و محمدمرادی، اصغر (۱۴۰۱). جهان معماری جهان: تحلیل کیفی محتوای تست‌های «معماری جهان» در آزمون‌های ورودی کارشناسی‌ارشد معماری در ایران از سال ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰، نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۵(۳۷)، ۹۵-۱۱۹.

DOI: 10.30480/AUP.2022.3958.1864
URL: http://aup.journal.art.ac.ir/article_1096.html



The World of World Architecture: A Qualitative Content Analysis of World Architecture Tests in Iranian Master of Architecture Entrance Exams from 2002 to 2021

Seyed Majid Mirnezami Ziabari

Ph.D. Candidate of Architecture, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Gholamhossein Memarian

Professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran
(corresponding author)

Asghar Mohammadmoradi

Professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Abstract

In the past decades, under the influence of Postcolonial theories and their critiques on the Eurocentrism prevalent in architectural history, the curriculum and textbooks of architectural history survey courses have changed in some European and North American countries. The purpose of these changes is decolonizing the curriculum to achieve a more balanced representation of global architectural history. However, in Iran, these kinds of revising curriculum are not observable. Thus, it raises the question of: is there a necessity to make amendments in the “world architecture” course in Iranian architectural education system? To answer that, one needs to clarify whether the “world architecture” course in Iran is also “Eurocentric”, or it has its unique characteristics. The world of world architecture course is a constructed object, rather than it being ahistorical, universal, and natural. Nevertheless, it is not clear what this world is and what it has to do with our past and our present problems. To understand this constructed world and our place in it, we need to map its conceptual geography. One way of recognizing the constructed “world” is to analyze the texts that make it visible. Since the questions of “world architecture” in the university entrance exams are good representatives of the dominant discourse of the curriculum planning and teaching of this course, the authors have conducted a qualitative content analysis of the tests related to this subject in centralized entrance exams for the Master of Architecture (M.Arch.) programs from 2002 to 2021. The aim of this research is to shed light on the ways of the world-making in the questions of “world architecture”. To this end, we coded 165 tests in Atlas.ti software and extracted the main constitutive categories of world architecture from them. Then, we developed a coding framework and analyzed the relations of the emerged categories with each other. To conclude, the constructed “world” in world architecture tests belong to the European ‘man’, whose cultural and geographical canon is Italy and the city of Rome and the Renaissance and Baroque periods are most significant historical periods for him. From all monuments of all times in the world, the constructions related to Christianity —like churches, baptisteries, abbeys, and monasteries— have an exceptional importance. In other words, the analysis of the tests reveals that the Eurocentric approach to world-making is dominant in the discourse of world architecture in the Iranian education system. This Eurocentric world not only dominates, but also fails to establish a meaningful connection with its “Others” in the Global South. In this way of world-making, the history of non-European, their constructions, their periodization, and architectural styles are placed in a lower position than those of Europeans and are considered just a prelude to the history of European architectural achievements.

Keywords: Eurocentrism, decolonizing the curriculum, Global South, global architectural history, world-making